

کودتای انگلیسی – آمریکایی 28 مرداد 1332



در اواخر ژانویه 1953 هیئت انگلیسی به منظور تعقیب مذاکرات مربوط به طرح کودتا در ایران به آمریکا رفت و با «آلن دالس» درباره کلیات عملیات گفتگو و تبادل نظر به عمل آورد. در اوایل فوریه 1953 بار دیگر فرستادگان دولت انگلیس و انتلیجنس سرویس به واشنگتن رفتند و در جلسه سوم فوریه درباره طرح عملیات مشترک به نام طرح «آژاکس» یا چکمه و تعیین فرمانده عملیات به توافق رسیدند. در این جلسه از طرف انگلیسی ها کوچران و سر پاتریک دین و از سوی آمریکایی ها جان فوستر دالس، آلن دالس (دالاس) و کرمیت روزولت و ژنرال بیدل اسمیت شرکت داشتند. به پیشنهاد انگلیسی ها روزولت به عنوان فرمانده عملیات انتخاب گردید، همچنین با انتصاب سرلشگر فضل الله زاهدی به نخست وزیری پس از سقوط دکتر مصدق موافقت به عمل آمد. به این ترتیب جای هیچ تردیدی نیست که شاه در خفا با عوامل کودتا در تماس بوده و حرکت حساب شده او را در آن بازی شطرنج سرنوشت ساز یعنی عزل مصدق از نخست وزیری و انتخاب زاهدی به جای او متعاقب موافقت اعضای طرع آژاکس بوده است. کرمیت روزولت به اعضای کمیسیون خاطر نشان می سازد مه اتحاد و همبستگی بین شاه و انگلیس و آمریکا ضامن موفقیت در آینده عملیات آنهاست. او در توجیه نظریه خود می گوید : « اولین هدف ما حمایت از شاه است، در زمینه سازمان دادن پشتیبانسی نظامی ما باید با دقت با رهبران مورد نظرمان در ارتش تماس برقرار کنیم ... افسران و غیر نظامیان دیگر نیز وجود دارند که می توانند نقش های مهمی به عهده بگیرند، اینان که ما، شاه و دوستان انگلیسی ما را دورا دور مراقب و کمک کار هستند مورد اعتمادمان می باشند. اقدام بعدی ما جلب همکاری شاه است. پس از آن با او در یک خط کار خواهیم کرد تا بتواند با قدرت کافی وارد عمل شود... »



در نهایت، شاه به کمک مزدوران خارجی و عوامل دست نشانده داخلی، طرح ننگین آژاکس را با کودتای شرم آور 28 مرداد 1332 به موفقیت کامل رساند و حکومت ملی و مردمی دکتر مصدق را بدون در نظر گرفتن عواقب آن در دراز مدت سرنگون ساخت و به این ترتیب حلقه اسارت بر گردن مردم ایران به دست خاندان پهلوی انداخته شد و خودکامگی و استبداد شاه از آن روز شروع گردید و جامعه ایران را روز به روز علیه نظام پادشاهی بیشتر سوق داد. آخرین ضربه به نظام پادشاهی در ایران در روز 11 اسفند ماه 1353 در کاخ نیاوران بود. در این روز شاه در جمع رهبران احزاب سیاسی وقت، حزب ایران نوین و حزب مردم و مدیران جراید و مشاورین مزدور سیاه و سرخش، تأسیس حزب واحد یعنی حزب رستاخیز را اعلام می کند. این ضربه چنان شدید بود که پایه های سلطنت در حال سقوط قرار می گیرد. در صورتی که شاه در کتاب «مأموریت برای وطنم» حکومت های تک حزبی را محکوم کرده بود. در این صورت به خوی فرصت طلبانه و مزور او پی می بریم. البته باید متذکر شد که همان مشاورین سرخ و سیاه و عوامل استعمار جهانی که او را سر کار گذاشته بودند، زمینه سقوط او را نیز ایجاد کردند. اعلام تک حزبی شدن فضای سیاسی - اجتماعی کشور و انجام دیگر عملکردهای ضد اخلاقی و انسانی دربار و اطرافیان که در دزدی و خیانت به جان و مال ایرانیان کوتاهی نکردند و از همه رو سیاه تر مشاورین فرح و دفتر فاسد او نابودی رژیم پادشاهی را در سال 57 امکانپذیر ساختند.

پس از فروپاشی رژیم پادشاهی، خیانت بازماندگان پهلوی به خصوص فرح دیبا و رضا پهلوی همچنان ادامه یافت و با برخورداری از بیش از 23 میلیارد دلار سرمایه دزدی شده از ملت ایران و هماهنگی با خانواده رفسنجانی، از همبستگی ملت ایران برای سرنگونی این حکومت دزدان و قاتلان اسلامی جلوگیری نمودند.

در حال حاضر سناریوی دیگری از استعمارگران ضد ایرانی در جریان است که همکاری علنی رفسنجانی و رضا پهلوی را برای به اصطلاح تغییرات در ایران پیش بینی نموده است. پهلوی ها بدانند که ملت ایران برای نجات از چنگال بی رحم حکومت اسلامی از مزدوران بیست و نه ساله آن، فرح دیبا و رضا پهلوی و مشاوران مشترک رفسنجانی - پهلوی که در این مدت به طور آشکار و پنهان با این حکومت جانی همکاری نموده اند، حمایت نخواهند کرد. ملت ایران، خود با هماهنگی و همسویی همه نیروهای ملی میهنی علیه استعمار جهانی و مزدوران و عناصر خائن آن به پا خاسته است و به زودی حکومت جانی اسلامی و همه حامیان داخلی و خارجی و ستون پنجم آن را در اپوزیسیون از جمله مجاهدین خلق و سلطنت طلب های پهلوی چی از بین خواهد برد و حکومت مردم بر مردم در یک جمهوری پارلمانی ایجاد خواهد شد.

آرش

سازمان دانشجویان مبارز ایرانزمین